چهارمین کنگره
دانشجویان حقوق، علوم سیاسی و علوم اجتماعی
4th Congress of
Political Science, Social Sciences and Law Students
www.lpc.cdsts.ir

تحلیل حقوقی استفاده از رمزارز ها در تجارت بین‌الملل و پیامد های آن برای نظام پولی جهانی

سیدعلی بهرامی دامنه

دانشجوی معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق و پژوهشگر اندیشکده دیپلماسی اقتصادی

چکیده

رمزارزها و فناوری‌های مبتنی بر بلاک‌چین، به‌عنوان نوآوری‌های مالی دیجیتال، پتانسیل تحول گسترده‌ای در نظام پولی، تجارت فرامرزی و قراردادهای بین‌المللی دارند. نتایج نشان می‌دهند که نوسانات شدید ارزش رمزارزها و فقدان چارچوب قانونی یکپارچه، چالش‌های جدی در تعیین صلاحیت قضایی، اجرای تعهدات قراردادی و امنیت حقوقی طرفین ایجاد می‌کند و ریسک‌های نظامی و اقتصادی کشورهای استفاده‌کننده را افزایش می‌دهد. همچنین، بررسی گزارش‌های بانک تسویه بین‌المللی (BIS)، صندوق بین‌المللی پول (IMF) و گروه ویژه اقدام مالی (FATF) نشان می‌دهد که فقدان هماهنگی بین مقررات ملی و بین‌المللی، موجب افزایش ابهام حقوقی و دشواری در مدیریت ریسک‌های مالی می‌شود. در عین حال، توسعه قراردادهای هوشمند و ابزارهای مالی دیجیتال می‌تواند شفافیت و کارایی معاملات را بهبود بخشد، مشروط بر اینکه سیاست‌گذاران و نهادهای نظارتی، تضمین‌های اجرایی و سازوکارهای نظارت دقیق را اعمال کنند. از منظر اقتصاد بین‌الملل، گسترش استفاده از رمزارزها می‌تواند قدرت تسویه دلارمحور را کاهش دهد و نقش ارزهای متعدد در تجارت جهانی را افزایش دهد، اما محدودیت‌هایی نظیر نوسان ارزش، فقدان پشتوانه رسمی و ریسک‌های امنیت سایبری، مانع از جایگزینی کامل آنها با ارزهای ملی می‌شود. این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و استفاده از روش مطالعات کتابخانه‌ای و بررسی اسناد و گزارش‌های معتبر بین‌المللی، به تحلیل فرصت‌ها، محدودیت‌ها و ریسک‌های رمزارزها در محیط‌های حقوقی و اقتصادی مختلف می‌پردازد. یافته‌های این پژوهش بر لزوم اتخاذ رویکرد محتاطانه و مبتنی بر شواهد در توسعه بازار رمزارزها تأکید دارد و راهبردهایی برای کاهش آسیب‌های اقتصادی و حقوقی و ارتقای امنیت و کارایی معاملات بین‌المللی ارائه می‌کند.

کلمات کلیدی: رمزارز، بلاک‌چین، قرارداد هوشمند، ریسک مالی، تجارت بین‌الملل، چارچوب قانونی

Abstract

Cryptocurrencies and blockchain-based technologies, as digital financial innovations, have the potential to profoundly transform monetary systems, cross-border trade, and international contracts. The findings indicate that high volatility in cryptocurrency values and the lack of a unified legal framework create significant challenges in determining judicial jurisdiction, enforcing contractual obligations, and ensuring legal security for parties, while increasing economic and systemic risks for adopting countries. Moreover, an examination of reports from the Bank for International Settlements (BIS), the International Monetary Fund (IMF), and the Financial Action Task Force (FATF) reveals that the lack of coordination between national and international regulations amplifies legal uncertainties and complicates financial risk management. Simultaneously, the development of smart contracts and digital financial instruments can enhance transaction transparency and efficiency, provided policymakers and regulatory bodies implement effective enforcement mechanisms and rigorous oversight. From an international economic perspective, expanding cryptocurrency usage could reduce the dominance of the dollar in settlements and increase the role of multiple currencies in global trade; however, limitations such as value volatility, the absence of official backing, and cybersecurity risks prevent their complete substitution for national currencies. This study, employing a descriptive-analytical approach and utilizing library research alongside the review of credible international reports and documents, analyzes the opportunities, limitations, and risks associated with cryptocurrencies in various legal and economic environments. The study's findings emphasize the necessity of a cautious, evidence-based approach in developing cryptocurrency markets and propose strategies to mitigate economic and legal risks while enhancing the security and efficiency of international transactions.

Keywords: Cryptocurrency, Blockchain, Smart Contract, Financial Risk, International Trade, Legal Framework

مقدمه

تحول در فناوری‌های مالی و ظهور رمز ارزها در دهه اخیر، نشان داده است توانایی این را دارد که ساختار سنتی نظام پولی و مالی جهانی را با چالش روبه‌رو کند. در پی فروپاشی نظام برتون وودز و تثبیت نقش دلار به عنوان ارز ذخیره جهانی، مبادلات بین‌المللی به‌طور عمده بر محور دلار و شبکه بانکی تحت کنترل ایالات متحده سازمان یافته است. (Herdegen, 2024)این نظام اگرچه در ظاهر ثبات مالی را در سطح جهانی تقویت کرده، اما در عمل به ابزار سلطه اقتصادی و اعمال فشار سیاسی بر کشورها تبدیل شده است. (Ly, 2024) وابستگی شدید تجارت جهانی به دلار، امکان اعمال تحریم‌های فراسرزمینی، کنترل جریان سرمایه و تحدید استقلال پولی دولت‌ها را فراهم کرده است.(Liu, 2024)

در چنین بستری، رمز ارزها به‌عنوان ابزارهای دیجیتال غیرمتمرکز که بر فناوری بلاک‌چین استوارند، مفهوم جدیدی از پول و مبادله را وارد عرصه حقوق و اقتصاد بین‌الملل کرده‌اند. رمز ارزها بر خلاف پول‌های سنتی، تحت کنترل هیچ بانک مرکزی

یا دولت خاصی نیستند و بر پایه الگوریتم‌های رمزنگاری‌شده، تراکنش‌های همتا به‌همتا را ممکن می‌سازند. (Jacbs, 2018) پژوهش بانک تسویه بین‌المللی نشان می‌دهد که گسترش دارایی‌های رمزارزی، از سال ۲۰۱۷ به بعد به یکی از محرک‌های اصلی تحول نظام پرداخت جهانی بدل شده است. (IVANOV & Zakharchenko, 2025) این دارایی‌ها با ویژگی‌هایی همچون شفافیت، سرعت انتقال بالا و کاهش هزینه‌های مبادله، جذابیت فزاینده‌ای برای استفاده در تجارت بین‌الملل یافته‌اند. (Fowowe, 2024)

افزون بر بعد فنی، استفاده فراگیر از رمز ارزها دارای پیامدهای حقوقی گسترده‌ای نیز هست. از منظر حقوق تجارت بین‌الملل، یکی از مهم‌ترین پرسش‌ها این است که آیا رمز ارزها می‌توانند در زمره پول یا ابزار پرداخت در معنای حقوقی آن قرار گیرند یا خیر. (Fowowe, 2024) کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا (CISG) و مقررات متحدالشکل اتاق بازرگانی بین‌المللی (UCP 600)ابزارهای پرداخت سنتی مانند برات و اعتبار اسنادی را پیش‌بینی کرده‌اند اما رمز ارزها ماهیتی متفاوت دارند؛ زیرا فاقد نهاد صادرکننده، تضمین دولتی و قابلیت بازخرید هستند. (Jacbs, 2018) از این رو استفاده از رمز ارز در مبادلات بین‌المللی می‌تواند موجب تعارض قوانین، ابهام در تعیین صلاحیت قضایی و دشواری در اجرای تعهدات شود (Vrydnyk, 2023).

گروه ویژه اقدام مالی (FATF) در گزارش سال ۲۰۱۹ خود تأکید می‌کند که دارایی‌های مجازی در صورت عدم نظارت مناسب می‌توانند بستری برای پول‌شویی، تأمین مالی تروریسم و فرار مالیاتی فراهم کنند. این سازمان کشورها را ملزم به شناسایی ارائه‌دهندگان خدمات رمز ارزی (VASPs) و اعمال مقررات مبارزه با پول‌شویی کرده است. با این حال، تفاوت‌های بنیادین در سیاست‌های ملی کشورها موجب شده است که هماهنگی حقوقی جهانی در این زمینه شکل نگیرد (Herdegen, 2024).

در سطح کلان‌تر، پیامدهای استفاده از رمز ارزها برای نظام پولی جهانی قابل توجه است. برخی تحلیلگران معتقدند که گسترش رمز ارزها می‌تواند به تدریج موجب دلارزدایی و کاهش انحصار دلار در نظام پرداخت‌های بین‌المللی شود (Ly, 2024).کشورهایی مانند روسیه و چین با توسعه رمز ارزهای ملی یا استفاده از ارزهای دیجیتال در معاملات خارجی، تلاش دارند وابستگی خود را به زیرساخت‌های مالی غرب کاهش دهند. (Vasiliev & Aleksandrov, 2025) این روند از منظر حقوق بین‌الملل اقتصادی به معنای تغییر در موازنه قدرت پولی و بازتعریف مفاهیم حاکمیت مالی است (Herdegen, 2024).

از منظر نظری، بانک تسویه بین‌المللی در گزارش خود در سال ۲۰۲۵ بیان می‌کند که رمز ارزها در حال تغییر بنیادین کارکرد پول هستند و از واحد حساب و وسیله پرداخت به سمت دارایی سرمایه‌ای حرکت کرده‌اند. (IVANOV & Zakharchenko, 2025)به تعبیر دیگر این دارایی‌ها هم ابزار مالی و هم سرمایه‌گذاری‌اند؛ وضعیتی که در حقوق پولی سنتی سابقه ندارد و تبیین حقوقی آن نیازمند بازاندیشی مفاهیم پایه‌ای است. همین نکته در پژوهش‌های دیگری نیز دیده می‌شود که بیت‌کوین را پولی بدون پشتوانه نهادی می‌داند و آن را از حیث کارکرد حقوقی، با پول‌های ملی غیرقابل مقایسه می‌شمارد.

از سوی دیگر، سازمان تجارت جهانی در گزارش‌های خود بر ظرفیت فناوری بلاک‌چین در تسهیل تجارت بین‌الملل تأکید کرده و از کشورها خواسته است که برای بهره‌گیری از این فناوری، استانداردهای حقوقی مشترک تدوین کنند (Liu, 2024).با این حال، همان گزارش تصریح می‌کند که نبود اجماع حقوقی درباره وضعیت رمز ارز، مانع اصلی گسترش آن در

عرصه تجارت رسمی بین‌المللی است. در این میان، بحث حاکمیت پولی جایگاه ویژه‌ای دارد. طبق اصول حقوق بین‌الملل عمومی، صدور پول و تنظیم نظام پولی از مصادیق حاکمیت ملی است .(Herdegen, 2024) با این حال، رمز ارزها با ساختار فراملی خود، مرزهای حاکمیت پولی را مبهم کرده اند. استفاده از رمز ارزها در تجارت به معنای کاهش نقش دولت‌ها در کنترل جریان‌های مالی و واگذاری بخشی از حاکمیت پولی به سازوکارهای غیرمتمرکز است .(Herdegen, 2024) از منظر حقوقی، این تحول می‌تواند به چالش در تبیین مسئولیت‌ها، نظارت و صلاحیت‌های بین‌المللی منجر شود.

بدین ترتیب، می‌توان گفت که رمز ارزها در سطح بین‌المللی و داخلی، نظام حقوق تجارت را با پرسش‌هایی بنیادین مواجه کرده‌اند: چگونه می‌توان ماهیت حقوقی رمز ارز را در قالب‌های موجود قرارداد و پول تعریف کرد؟ چگونه می‌توان تعارض قوانین و صلاحیت قضایی را در تراکنش‌های بلاک‌چینی حل نمود؟ و نهایتاً، آیا گسترش رمز ارزها می‌تواند ساختار دلارمحور نظام پولی جهانی را تغییر دهد یا تنها شکل جدیدی از وابستگی ایجاد می‌کند؟

پژوهش حاضر با تکیه بر منابع نظری و اسناد رسمی بین‌المللی، در پی پاسخ به این پرسش‌هاست. هدف آن تحلیل حقوقی و نهادی رمز ارزهای در تجارت بین‌الملل و بررسی پیامدهای آن بر نظام پولی جهانی است. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی است و داده‌ها از منابع معتبر بین‌المللی و همچنین مطالعات حقوقی استخراج شده‌اند. انتظار می‌رود یافته‌های پژوهش بتوانند تصویری جامع از وضعیت کنونی و مسیر آتی مقررات‌گذاری رمز ارزها در چارچوب حقوق تجارت بین‌الملل ارائه کنند و مبنایی برای طراحی راهبردهای ملی در جهت استفاده ایمن، مشروع و کارآمد از این ابزارهای نوین فراهم سازند.

بیان مسئله

نظام پولی بین‌الملل در قرن بیست و یکم بیش از هر زمان دیگری در معرض تغییر و بازتعریف قرار گرفته است. سلطه تاریخی دلار آمریکا، که از زمان توافق برتون وودز در ۱۹۴۴ تثبیت شد، نه تنها مبنای تجارت جهانی را شکل داده بلکه به ابزار اصلی اعمال فشار اقتصادی و تحریم‌های یک جانبه تبدیل شده است. (Herdegen, 2024) این تمرکز شدید قدرت مالی در دست یک دولت، موجب شده که بسیاری از کشورها به دنبال یافتن سازوکارهایی برای استقلال از نظام مالی دلاری باشند. ظهور رمز ارزها، به ویژه ارزهای دیجیتال ، در همین زمینه قابل درک است؛ زیرا این ابزارها می‌توانند امکان مبادلات فرامرزی را بدون وابستگی به بانک‌ها و نظام پیام‌رسان مالی غرب فراهم کنند (IVANOV & Zakharchenko, 2025) (Ly, 2024).

با این حال، استفاده از رمز ارزها در تجارت بین‌الملل پرسش‌های جدی حقوقی را مطرح کرده است. نخست، از نظر ماهوی، آیا رمز ارز را می‌توان پول یا دارایی مالی دانست؟ این پرسش در حقوق تجارت بین‌الملل تعیین‌کننده است، زیرا وضعیت حقوقی طرفین قرارداد، تعهدات ناشی از پرداخت، و ضمانت اجرای نقض قرارداد به آن وابسته است. (Fowowe, 2024) اگر رمز ارز به عنوان پول پذیرفته نشود، مبادلات مبتنی بر آن ممکن است از حمایت حقوقی کافی برخوردار نباشند و حتی در نظام‌های حقوقی مختلف، مشمول مقررات متضاد شوند.(Herdegen, 2024)

در سطح نهادی، نبود نهادهای ناظر فراملی برای تنظیم مقررات رمز ارزها، موجب ناهمگونی شدید میان کشورها می‌شود. گزارش‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که از میان کشورهای بررسی‌شده، کمتر از یک‌سوم دارای چارچوب حقوقی منسجم

برای دارایی‌های رمزارزی هستند. (Vrydnyk, 2023) این شکاف حقوقی، فضای سوءاستفاده را برای پول‌شویی و فرار مالیاتی فراهم می‌کند و از سوی دیگر، کشورهای دیگر را در بهره‌گیری مشروع از ظرفیت‌های این فناوری با مانع روبه رو می‌سازد(Vrydnyk, 2023)

از منظر حاکمیت پولی، رمز ارزها چالشی بنیادین برای مفهوم سنتی حاکمیت ملی به شمار می‌آیند. هنگامی که یک دولت نمی‌تواند بر جریان خروج سرمایه یا مبادلات پولی مبتنی بر رمز ارز نظارت کامل داشته باشد، بخشی از اقتدار اقتصادی خود را از دست می‌دهد. (Ly, 2024) با این حال، برای کشورهایی که در معرض تحریم و محدودیت‌های بانکی قرار دارند، همین ویژگی می‌تواند فرصت تلقی شود؛ زیرا به آن‌ها امکان می‌دهد خارج از سازوکار دلاری، مبادلات بین‌المللی انجام دهند (رزمجو علی اکبر و رزمجو محدثه، ۱۳۹۸)

در ایران، فقدان قانون جامع در خصوص رمز ارزها موجب شده است که استفاده از آن‌ها در حوزه تجارت خارجی با ابهام مواجه شود. اگرچه وزارت صمت در سال ۱۴۰۰ استفاده محدود از رمز ارز برای واردات کالا را مجاز اعلام کرد، اما همچنان چارچوب مشخصی برای ضمانت اجرا، مسئولیت مدنی، و حل و فصل اختلافات وجود ندارد. (رزمجو علی اکبر و رزمجو محدثه، ۱۳۹۸) از سوی دیگر، نهادهای مالی بین المللی استفاده از رمز ارز را در شرایط تحریم، نوعی دور زدن نظام پرداخت رسمی تلقی می‌کنند و این امر می‌تواند تبعات حقوقی بین المللی برای کشور ایجاد کند.(Herdegen, 2024)

بنابراین، مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که استفاده از رمز ارزها در تجارت بین‌الملل چه جایگاه حقوقی ای دارد و چه پیامدهایی برای ساختار نظام پولی جهانی و حاکمیت مالی کشورها ایجاد می‌کند؟ پاسخ به این سؤال مستلزم واکاوی دقیق مفاهیم بنیادین حقوق پول، بررسی رویکردهای بین‌المللی نسبت به تنظیم رمز ارزها، و تحلیل وضعیت حقوقی آن‌ها در نظام تجارت بین الملل است.

ادبیات نظری و پیشینه پژوهش

درک جایگاه رمز ارزها در تجارت جهانی مستلزم شناخت ماهیت پول و تحول تاریخی آن است. در نظام کلاسیک پولی، پول تنها وسیله مبادله و واحد سنجش ارزش بود و پشتوانه آن عمدتاً طلا یا نقره محسوب می‌شد. اما پس از فروپاشی نظام برتون وودز در سال ۱۹۷۱، دلار آمریکا عملاً به پول مبنا در مبادلات جهانی تبدیل شد و سایر ارزها نسبت به آن سنجیده شدند. (Herdegen, 2024)سلطه دلار از طریق شبکه‌های پرداخت بین‌المللی، مانند سوئیفت و نظام بانکی فراسرزمینی، تقویت شد.

این تمرکز قدرت، هرچند ثبات مالی نسبی ایجاد کرد، اما در عمل منجر به شکل‌گیری ساختار نابرابر در نظام پولی بین‌الملل شد؛ به‌گونه‌ای که کشورهایی که دسترسی آزاد به دلار نداشتند، عملاً از تجارت آزاد جهانی محروم شدند . روند اخیر دلارزدایی (dedollarization) پاسخی به همین نابرابری است. کشورهایی چون چین، روسیه و اعضای بریکس با توسعه ارزهای دیجیتال ملی و تسویه‌های غیر دلاری، در پی کاهش وابستگی به دلار هستند. (Ly, 2024) در این بستر، رمز ارزهای غیر دلاری به عنوان ابزاری فناورانه اما بالقوه سیاسی مطرح می‌شوند؛ زیرا می‌توانند جریان مبادلات را از مدار دلاری خارج کنند.

یکی از مهم‌ترین پرسش‌های حقوقی درباره رمز ارزها، تعیین ماهیت آن‌هاست: آیا رمزارز، پول، دارایی یا ابزار پرداخت محسوب می‌شود؟ به گفته پژوهش‌ها، بیت‌کوین و سایر رمز ارزها ویژگی‌های سه‌گانه پول (واحد سنجش، وسیله مبادله و ذخیره ارزش) را به‌طور کامل ندارند؛ به همین دلیل، بیشتر می‌توان آن‌ها را دارایی های دیجیتال دانست تا پول. اما در فضای تجارت بین الملل، تعریف پول صرفاً بر پایه کارکرد اقتصادی نیست؛ بلکه بستگی به پذیرش عرفی و حقوقی در نظام بانکی و قراردادی دارد.

از دیدگاه بین‌المللی، رمز ارزها می‌توانند به‌عنوان ابزار پرداخت در قراردادهای خصوصی مورد استفاده قرار گیرند، مشروط بر آنکه طرفین توافق کنند و مانع قانونی در کشور متبوع وجود نداشته باشد. (Liu, 2024) در مقابل، بسیاری از دولت‌ها از پذیرش آن به‌عنوان پول رسمی خودداری کرده‌اند و به تنظیم‌گری در سطح مالکیت و مبادله بسنده کرده‌اند. (Vrydnyk, 2023)

در سطح نظری، پژوهش‌ها تأکید دارند که فقدان مرجع مرکزی در رمز ارزها باعث می‌شود آن‌ها از نظر حقوقی در دسته دارایی‌های بی‌صاحب (res nullius) قرار گیرند، مگر آنکه قوانین ملی صراحتاً آن‌ها را مشمول حقوق مالکیت خصوصی بدانند. (Herdegen, 2024) این مسئله در تجارت بین‌الملل اهمیت زیادی دارد؛ زیرا در صورت بروز اختلاف، تعیین صلاحیت قضایی و قانون حاکم به چالش کشیده می‌شود.

گروه ویژه اقدام مالی (FATF) از سال ۲۰۱۹ دستورالعمل جامعی برای تنظیم فعالیت ارائه‌دهندگان خدمات دارایی مجازی (VASPs)منتشر کرد که هدف آن، جلوگیری از پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم از طریق رمز ارزها است. این دستورالعمل در سال‌های بعد به‌روزرسانی شد تا با رشد سریع صرافی‌های غیرمتمرکز (DEX) و پلتفرم‌های DeFi سازگار شود. (Vrydnyk, 2023)

بر اساس تحلیل‌های بین‌المللی، این چارچوب‌ها بیشتر بر جنبه‌های مالی و نظارتی تمرکز دارند و کمتر به ابعاد حقوقی تجارت بین‌الملل توجه کرده‌اند. به همین دلیل، در سطح بین‌المللی هنوز توافقی درباره نحوه شمول رمز ارزها در قراردادهای تجاری فرامرزی وجود ندارد. پژوهش‌ها نیز نشان می‌دهد که تفاوت رویکرد کشورها در مقررات‌گذاری رمز ارزها موجب شده است تا ریسک حقوقی معاملات مرزی افزایش یابد.(IVANOV & Zakharchenko, 2025)

در ایران، مطالعات حقوقی درباره رمزارزها بیشتر بر ابعاد نظارتی و سیاست‌گذاری تمرکز داشته‌اند. گزارش‌های داخلی با بررسی رویکرد کشورهای مختلف، پیشنهاد می‌کنند چارچوبی حقوقی برای مجوزدهی به صرافی‌های رمزارزی تدوین شود تا از سوءاستفاده در تجارت خارجی جلوگیری شود. (رزمجو علی اکبر و رزمجو محدثه، ۱۳۹۸)

در مقاله‌ای، بررسی جایگاه رمزارزها در تجارت جهانی با نگاهی بر رویکرد سازمان‌های بین‌المللی و ایران پرداخته و نتیجه گرفته است که استفاده از رمز ارزهای می‌تواند به‌عنوان ابزار تسویه میان کشورهایی که در معرض تحریم‌اند، عمل کند، اما به شرطی که از منظر حقوق بین‌الملل، مصداق تخطی از تعهدات پولی تلقی نشود. (رزمجو علی اکبر و رزمجو محدثه، ۱۳۹۸)

در مطالعه دیگری، ابعاد حقوقی استفاده از رمز ارزها در تجارت بین‌الملل و چالش‌های نظارتی بر نقش رمز ارزها در خنثی‌سازی تحریم‌ها تأکید کرده و پیشنهاد داده است برای مشروعیت‌بخشی به این نوع معاملات، باید در حقوق تجارت بین‌الملل ایران جایگاه صریحی برای رمز ارزها تعریف شود.(Fowowe, 2024)

درپژوهشی با عنوان چالش‌های استفاده از رمزارزها در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، تاج‌لنگرودی و دهدار (۱۴۰۳) با بررسی ابعاد فقهی و حقوقی رمزارزها، به این نتیجه رسیده‌اند که علیرغم استقبال روزافزون از این پدیده در کشور، چالش‌های مهمی در زمینه‌های حقوقی، از جمله نبود سازوکار حل‌وفصل اختلافات بین‌المللی و ناهماهنگی قوانین داخلی با تحولات فناوری وجود دارد.

رشد سریع فناوری‌های مالی در دهه اخیر، مفهوم سنتی پول و پرداخت را دگرگون ساخته و نظام پولی بین‌المللی را با چالش‌هایی بی‌سابقه مواجه کرده است. در این میان، رمز ارزها به‌عنوان ابزارهای پرداخت مستقل از نظام بانکی آمریکا، به‌سرعت در حال ورود به عرصه تجارت بین‌الملل‌اند. اگرچه در ابتدا رمز ارزها به‌عنوان پدیده‌ای فناورانه در حاشیه بازارهای مالی مطرح شدند، اما اکنون به یکی از مؤلفه‌های جدی در بحث دلارزدایی و بازتعریف قدرت اقتصادی جهانی تبدیل شده‌اند .

تحلیل حقوقی این تحول مستلزم بررسی سه سطح اصلی است: نخست، تعیین ماهیت حقوقی رمز ارزها در نظام تجارت بین‌الملل و آثار قراردادی استفاده از آن‌ها؛ دوم، ارزیابی جایگاه رمز ارز در چارچوب مقررات‌گذاری مالی بین‌المللی و نسبت آن با الزامات مبارزه با پول‌شویی (AML) و تأمین مالی تروریسم(CFT) ؛ و سوم، تحلیل تأثیر گسترش رمز ارزها بر ساختار قدرت در نظام پولی جهانی و حاکمیت اقتصادی کشورها.

به‌طور خاص، رمز ارزها در تجارت بین‌الملل دو وجه متفاوت دارند: از یک سو می‌توانند ابزار مشروعی برای پرداخت و تسویه باشند و از سوی دیگر، در نبود مقررات شفاف، بستری برای تخلف مالی و نقض تعهدات بین المللی محسوب شوند. در نتیجه، تحلیل حقوقی باید فراتر از قضاوت اخلاقی یا فناورانه، با رویکردی نظام‌مند و استنادی به بررسی تعارضات حقوقی، خلا های نهادی و پیامدهای مالی این پدیده بپردازد.

در چارچوب حقوق تجارت بین‌الملل، پول نه صرفاً ابزار مبادله، بلکه مفهومی حقوقی است که نقش آن در ایجاد، انتقال و تسویه تعهدات، تعیین‌کننده آثار قراردادی است. بنابراین پرسش اصلی این است که آیا رمز ارز را می‌توان در نظام حقوقی بین‌المللی پول تلقی کرد یا باید آن را نوعی دارایی دیجیتال دانست که قابلیت ایفای نقش در تعهدات مالی را دارد؟ پاسخ به این پرسش آثار گسترده‌ای در تعیین اعتبار قراردادهای مبتنی بر رمز ارز، مسئولیت طرفین و قابلیت اجرای احکام در اختلافات فرامرزی دارد.

مطابق تعاریف ارائه‌شده توسط نهادهای بین‌المللی، رمز ارز نوعی دارایی رمزنگاری‌شده مبتنی بر فناوری دفتر کل توزیع‌شده (DLT)است که بدون پشتوانه قانونی دولت منتشر می‌شود و نقش آن در مبادلات مالی بستگی به پذیرش قراردادی دارد. (IVANOV & Zakharchenko, 2025)در حقوق بین‌الملل عمومی، رمز ارزها هنوز به‌عنوان پول قانونی (legal tender)شناخته نمی‌شوند، زیرا فاقد پشتوانه الزام‌آور دولتی‌اند و پذیرش آن‌ها به توافق ارادی طرفین محدود می‌شود. (Liu, 2024)

با این‌حال در سطح حقوق خصوصی بین‌الملل، قابلیت توافق میان اشخاص برای پرداخت از طریق رمزارزها بر اساس اصل آزادی قراردادها پذیرفته شده است، مشروط بر آنکه قرارداد با نظم عمومی کشور محل اجرا مغایر نباشد. (Herdegen, 2024)این قاعده بر اساس ماده ۷ کنوانسیون وین ۱۹۸۰ درباره بیع بین‌المللی کالا (CISG) نیز قابل استنباط است، زیرا طرفین می‌توانند ابزار پرداخت را تعیین کنند، مگر آنکه قانون حاکم محدودیتی ایجاد کرده باشد.(Liu, 2024)

در نتیجه، رمز ارز از منظر حقوقی در تجارت بین‌الملل نه به‌عنوان پول رسمی، بلکه به‌عنوان وسیله پرداخت توافقی شناخته می‌شود. این وضعیت موجب می‌شود آثار حقوقی تعهدات ناشی از پرداخت در رمز ارزها تابع شرایط خاص قرارداد باشد. به بیان دیگر، چنانچه قرارداد به‌صراحت مشخص نکرده باشد که انتقال رمز ارز موجب برائت ذمه پرداخت‌کننده است، ممکن است در صورت نوسان ارزش یا عدم امکان تبدیل، اختلاف حقوقی در اجرای تعهد پدید آید.

بر اساس مطالعات تطبیقی جدید، کشورهایی چون سنگاپور، آلمان و انگلستان، رمز ارزها را دارایی‌هایی قابل تملک دانسته و در حقوق مدنی جایگاه آن‌ها را در زمره اموال غیرمادی تعریف کرده‌اند .(Fowowe, 2024) (Liu, 2024) در مقابل، برخی کشورها مانند چین و هند، مبادلات رمزارزی را در پرداخت‌های تجاری ممنوع کرده‌اند. در نتیجه، در سطح بین‌المللی نوعی ناهمگونی حقوقی وجود دارد که خود به مانع اصلی در اجرای قراردادهای فرامرزی مبتنی بر رمز ارز تبدیل شده است.

در این میان، گزارش FATF نقطه تلاقی مهمی است؛ این نهاد تصریح می‌کند که دارایی‌های رمز ارزی هرچند پول نیستند، اما به‌دلیل قابلیت تبدیل به ارز، باید تحت مقررات ضد پول‌شویی و شناسایی ذی‌نفع نهایی (KYC) قرار گیرند. از منظر حقوق تجارت بین‌الملل، این الزام به معنای پذیرش ضمنی رمز ارز به‌عنوان ابزار مالی است، هرچند فاقد جایگاه پولی رسمی باشد.

ماهیت حقوقی و آثار قراردادی

تحلیل حقوقی قراردادهای مبتنی بر رمز ارز نیازمند تمایز میان قراردادهای انتقال دارایی و قراردادهای پرداخت تعهدات مالی است. در حالت نخست، رمز ارز همانند کالایی دیجیتال معامله می‌شود و در حالت دوم، نقش پول در پرداخت تعهدات را ایفا می‌کند. از این رو، در هر قرارداد باید مشخص شود که هدف از انتقال رمزارز، تملیک دارایی است یا انجام پرداخت. (Fowowe, 2024) چنانچه هدف انجام پرداخت باشد، دو مسئله حقوقی پدید می‌آید: نخست، معیار تحقق پرداخت و دوم، تعیین زمان برائت ذمه. بر اساس رویه‌های بین المللی، پرداخت در رمز ارز زمانی محقق می‌شود که تراکنش در بلاکچین تأیید و غیرقابل برگشت شود.(Southgate vs Graham 2024) این معیار جایگزین مفهوم سنتی قبض و اقباض در حقوق مدنی می‌شود. اما اگر سیستم بلاک چین دچار اختلال شود یا دارایی به کیف پول اشتباه منتقل گردد، تعیین مسئولیت دشوار است، زیرا هیچ مرجع متمرکزی برای ابطال تراکنش وجود ندارد.

از منظر ضمانت اجرا، چنانچه ارزش رمزارز به‌طور ناگهانی سقوط کند، آیا پرداخت‌کننده بری الذمه است یا باید معادل آن ارز بپردازد؟ هنوز پاسخی به این پرسش داده نشده است اما به نظر می‌رسد پاسخ این پرسش را بسته به شرط قراردادی دانست. اگر قرارداد، رمز ارز را وسیله پرداخت نهایی بداند، نوسان ارزش اثری ندارد. اما اگر رمز ارز صرفاً وسیله تسویه موقت باشد، طرف متضرر می‌تواند مطالبه ما به التفاوت کند.

در داوری های تجاری بین المللی نیز رویه در حال شکل‌گیری است. پرونده‌های جدید نشان می‌دهد که داوران در صورت سکوت قرارداد، ارزش رمز ارز را در زمان انجام تعهد مبنا قرار می‌دهند، نه در زمان انعقاد قرارداد. (Liu, 2024) این رویکرد با هدف حفظ توازن منصفانه میان طرفین و جلوگیری از سوءاستفاده از نوسان قیمت اتخاذ می‌شود.

در سطح جهانی، نبود هماهنگی مقرراتی یکی از بزرگ‌ترین چالش‌ها در استفاده از رمز ارزها برای تجارت بین‌الملل است. نهادهای مالی بین‌المللی از سال ۲۰۱۸ به بعد تلاش کرده‌اند چارچوبی مشترک برای شفافیت و نظارت بر مبادلات

رمزنگاری‌شده ایجاد کنند .(Herdegen, 2024) با این‌حال هیچ نهاد واحدی دارای صلاحیت الزام‌آور جهانی در این حوزه نیست.

بانک تسویه بین‌المللی (BIS) در گزارش سال ۲۰۲۵ خود تأکید می‌کند که رمز ارزها می‌توانند در بلندمدت موجب فرسایش نظام ارزی مبتنی بر دلار شوند، زیرا تسویه تراکنش‌ها را از نظام بانکی ایالات متحده خارج می‌کنند. (BIS, 2025) این نهاد پیشنهاد داده است تا چارچوب هماهنگ نظارت بر دارایی‌های رمز ارزی میان بانک های مرکزی تدوین شود. به موجب این پیشنهاد، کشورها موظف خواهند بود نهادهای واسط مانند صرافی‌های دیجیتال را ملزم به ثبت، گزارش‌دهی و تبعیت از قواعد ضدپول‌شویی کنند. صندوق بین‌المللی پول (IMF) نیز در گزارش‌های خود، رویکردی دوگانه اتخاذ کرده است. از یک سو بر ممنوعیت رمز ارز ها به‌عنوان پول رسمی تأکید دارد و از سوی دیگر، بر لزوم پذیرش آن‌ها به‌عنوان ابزار سرمایه‌گذاری مشروع در قالب مقررات شفاف پافشاری می‌کند . این رویکرد نوعی مصالحه میان کنترل پولی دولت‌ها و آزادی سرمایه‌گذاری بخش خصوصی محسوب می‌شود.

در اتحادیه اروپا، مقررات MiCA (Markets in CryptoAssets Regulation) در سال ۲۰۲۴ تصویب شد و نقطه عطفی در تنظیم بازار رمز ارزها به شمار می‌رود. این مقررات برای نخستین بار مسئولیت قانونی ناشرین توکن های پایدار (Stable coins)را مشخص کرد و بر الزام به ذخایر ارزی متناسب با حجم انتشار تأکید نمود. از دیدگاه حقوق تجارت بین‌الملل، چنین مقرراتی موجب افزایش قابلیت پیش‌بینی تعهدات و کاهش ریسک حقوقی در قراردادهای رمز ارزی فرامرزی می‌شود. در مقابل چین با ممنوعیت کامل استخراج و مبادله رمز ارزها، رویکردی مبتنی بر حاکمیت پولی مطلق اتخاذ کرده است. (Ly, 2024) از نگاه پکن، پذیرش رمز ارزها تهدیدی برای کنترل سرمایه و ثبات مالی داخلی است. با این‌حال چین همزمان پروژه یوان دیجیتال (eCNY) را به‌عنوان ابزار جایگزین بین‌المللی توسعه داده که می‌تواند روی آینده پرداخت‌های غیربانکی تأثیر بگذارد اما گسترش آن هنوز نامطمئن است.

در مجموع، تحلیل مقررات‌گذاری جهانی نشان می‌دهد که کشورها میان دو قطب آزادی بازار مالی و کنترل حاکمیتی پول در نوسان‌اند. این دوگانه موجب می‌شود تجارت بین الملل با رمز ارز ها همچنان در وضعیت منطقه خاکستری قرار گیرد و اجرای تعهدات قراردادی وابسته به قانون حاکم و محل داوری باشد.

تأثیر رمز ارزها بر نظام تحریم ها و حقوق بین الملل اقتصادی

یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های استفاده از رمز ارزهای در تجارت بین‌الملل، دور زدن نظام مالی تحت کنترل ایالات متحده است. تسلط دلار بر شبکه‌های پرداخت بین‌المللی مانند سوئیفت (SWIFT) سبب شده است که آمریکا بتواند با ابزار تحریم مالی، نفوذی فراتر از مرزهای خود اعمال کند. استفاده از رمز ارزها این انحصار را به چالش می‌کشد.(Ly, 2024)

از منظر حقوق بین‌الملل اقتصادی، تحریم‌های مالی یک‌جانبه همواره محل مناقشه بوده‌اند. مطابق منشور ملل متحد، اعمال اقدامات اقتصادی تنها در صورت تصمیم شورای امنیت مشروعیت دارد. با این‌حال ایالات متحده با استفاده از دلار به‌عنوان ارز جهانی تحریم‌های یک‌جانبه خود را به کشورها تحمیل می‌کند. رمز ارزها می‌توانند این چرخه را بشکنند، زیرا تسویه تراکنش‌ها در بستر بلاکچین صورت می‌گیرد و به نظام بانکی آمریکا وابسته نیست. با این حال این موضوع از منظر حقوق

بین الملل دو پیامد دارد. نخست کاهش کارایی ابزار های تحریم در سیاست خارجی غرب. دوم ایجاد چالش در اجرای مقررات مبارزه با پول‌شویی و تأمین مالی تروریسم.

با وجود همه این تفاسیر، استفاده گسترده از رمزارز ها برای دور زدن تحریم ها می‌تواند منجر به تقابل مقرراتی شود؛ یعنی کشور هایی که این مبادلات را انجام می‌دهند، در معرض اقدامات تلافی جویانه مالی قرار گیرند. در نتیجه، نیاز به یک چارچوب چندجانبه برای نظارت بر تراکنش‌های رمزی احساس می‌شود تا تعادل میان آزادی اقتصادی و امنیت مالی برقرار گردد.

۶ .پیامدهای استفاده از رمز ارزها برای نظام پولی جهانی

از منظر ساختار قدرت پولی، تسلط دلار بر نظام پولی جهانی ریشه در سه مؤلفه دارد: حجم ذخایر ارزی، نقش دلار در تسویه تجاری، و عمق بازار اوراق بهادار آمریکا. ظهور رمز ارزهای ، هر سه مؤلفه را به چالش می کشد. نخست، رمزارزها به کشورها امکان می‌دهند ذخایر بین المللی خود را به دارایی های غیر متمرکز تبدیل کنند. دوم، تسویه تراکنش‌ها در بستر بلاکچین، نیاز به استفاده از سیستم بانکی دلارمحور را کاهش می‌دهد. سوم، ابزارهای مالی مبتنی بر رمز ارز مانند توکن‌های اوراق قرضه یا قراردادهای هوشمند می‌توانند جایگزین برخی سازوکارهای مالی سنتی می شوند.

در گزارش اخیر (BIS,2025) آمده است که اگر سهم پرداخت‌های رمزارزی در تجارت بین‌الملل به بیش از ۱۰ درصد برسد، اثرات معناداری بر نرخ بهره جهانی و سیاست پولی خواهد داشت، زیرا بخشی از تقاضا برای دلار به‌صورت ساختاری کاهش می‌یابد .(BIS, 2025) این تحول، نوعی چندقطبی شدن پولی را رقم خواهد زد که پیامدهای ژئو اقتصادی گسترده‌ای دارد.

با این‌حال، برخی پژوهش‌ها هشدار داده‌اند که نوسان شدید ارزش رمزارزها و نبود پشتوانه دولتی، مانع از تبدیل آن‌ها به جایگزین پایدار دلار خواهد شد . آن‌ها معتقدند که تنها رمزارز های باثبات و دارای پشتوانه طلا یا ارز قوی (Stablecoins) قابلیت ایفای نقش پایدار در تجارت جهانی را دارند.(Vasiliev & Aleksandrov, 2025)

نقش قراردادهای هوشمند در تجارت بین‌الملل رمزارزی

قراردادهای هوشمند (Smart Contracts) یکی از مهم‌ترین نوآوری‌های مرتبط با تجارت رمزارزی هستند. این قرارداد ها، کد های خود اجرا هستند که مفاد توافق را در بلاک چین پیاده سازی می‌کنند و با تحقق شرایط از پیش تعیین شده، به‌طور خودکار اجرا می‌شوند.(Vasiliev & Aleksandrov, 2025)

چالش اصلی در اعتبار قرارداد های هوشمند، قابلیت انتساب اراده است. در نظام‌های حقوقی سنتی، اعتبار قرارداد منوط به احراز قصد طرفین است، در حالی‌که در قرارداد هوشمند، اجرای خودکار جایگزین اراده انسانی می‌شود. رویه‌های قضایی بین‌المللی، این نوع قراردادها را معتبر دانسته‌اند، مشروط بر آنکه اراده طرفین در زمان کدنویسی به‌وضوح احراز شود. (Herdegen, 2024)

در تجارت بین‌الملل، قراردادهای هوشمند می‌توانند اجرای تعهدات حمل‌ونقل، بیمه، و پرداخت را به‌صورت خودکار انجام دهند و نقش واسطه‌های مالی را کاهش دهند. با این‌حال، از دیدگاه حقوقی، چالش‌هایی مانند تعیین قانون حاکم، صلاحیت داوری، و اثبات وقوع نقض تعهد در بستر غیرمتمرکز همچنان پابرجاست.(Liu, 2024)

وضعیت ایران در قبال تجارت رمزارزی

ایران از معدود کشورهایی است که به‌طور همزمان با فرصت‌ها و محدودیت‌های رمز ارز مواجه است. از یک‌سو، تحریم‌های مالی گسترده موجب شده تا استفاده از رمزارزها در تجارت خارجی به‌عنوان راهکاری برای تسویه تراکنش‌ها مطرح شود. از سوی دیگر، فقدان مقررات جامع، ریسک‌های حقوقی و مالی را برای فعالان اقتصادی افزایش داده است (رزمجو علی اکبر و رزمجو محدثه، ۱۳۹۸)

بانک مرکزی ایران در مصوبه سال ۱۴۰۱ استفاده از رمزارز های استخراج شده داخلی برای واردات کالا را در چارچوب های قانونی و اخذ مجوز مجاز اعلام کرد. (بانک مرکزی، ۱۴۰۰) این تصمیم از منظر حقوق اقتصادی، نشانه‌ای از پذیرش محدود رمز ارز به‌عنوان ابزار پرداخت خارجی است. با این‌حال، هنوز در سطح قانون‌گذاری، تعریف مشخصی از ماهیت حقوقی رمزارز وجود ندارد. قانون تجارت الکترونیک ۱۳۸۲ و قانون پولی و بانکی ۱۳۵۱ نیز پاسخگوی مسائل جدید بلاک چین نیستند.

در داوری های بین‌المللی مرتبط با ایران نیز، استفاده از رمزارز در قراردادها هنوز به‌صورت رسمی مطرح نشده است، اما در صورت گسترش تجارت رمزارزی، دادگاه‌های داخلی و داوران ایرانی باید در مورد قابلیت استناد به بلاکچین به‌عنوان سند الکترونیکی قابل اعتماد موضع‌گیری کنند. این موضوع نیازمند اصلاح مقررات آیین دادرسی مدنی و تجارت الکترونیک است تا شفافیت حقوقی افزایش یابد (رزمجو علی اکبر و رزمجو محدثه، ۱۳۹۸)

جمع بندی و نتیجه گیری

در بررسی ماهیت حقوقی و آثار قراردادی قرارداد های مبتنی بر رمز ارز ها، تحلیل دقیق حقوقی محتوا بر پایه متون حقوقی و مقررات بین المللی نشان می‌دهد که این حوزه از نظر قراردادی و اقتصادی در وضعیت پیچیده و چندوجهی ای قرار دارد. از یک سو، رمز ارزها می‌توانند مانند دارایی‌های دیجیتال مورد تبادل و تملیک قرار بگیرند و از سوی دیگر، ممکن است نقش پول یا ابزار تسویه را ایفا کنند، امری که اثرات متفاوتی بر قراردادها، مسئولیت‌ها، زمان برائت ذمه و تضمین اجرای تعهدات دارد.

اگر هدف قرارداد، تملیک دارایی دیجیتال باشد (یعنی انتقال رمز ارز به‌عنوان دارایی که طرف آن مالکیت می‌پذیرد)، باید قرارداد را در قالب قرارداد انتقال دارایی بررسی کرد، شرایطی مانند اراده طرفین، قانون حاکم، تعیین زمان انتقال و ریسک و خسارت مورد توجه قرار گیرد. ولی اگر هدف پرداخت تعهد مالی باشد، آنگاه رمز ارز به‌عنوان وسیله پرداخت وارد قلمرو

تعهدات مالی و تسویه می‌شود و دو مسئله حقوقی اساسی مطرح می‌گردد. نخست معیار تحقق پرداخت و دوم زمان برائت ذمه. مقررات بین المللی و رویه های ناظر بر سیستم پولی و تسویه بین‌المللی تأکید دارند که برای آنکه پرداخت، واقعاً محقق شود، تراکنش رمزارزی باید در شبکه بلاک چین تأیید شده و وضعیت غیرقابل برگشت پیدا کند؛ بدین‌ترتیب، مفهومی که در حقوق سنتی با قبض و اقباض مطرح می‌شود در این بستر جایگزین می‌شود. در عمل، چنانچه شبکه بلاک چین دچار اختلال شود یا دارایی به کیف پول اشتباه منتقل گردد، تعیین مسئولیت و تضمین تسویه به‌شدت دشوار خواهد بود؛ زیرا مرجع متمرکزی برای ابطال یا برگشت تراکنش وجود ندارد.

در قراردادهایی که رمز ارز به‌عنوان وسیله پرداخت نهایی تأیید شده، نوسان ارزش آن معمولاً اثر مستقیمی بر برائت ذمه طرف پرداخت‌کننده ندارد؛ زیرا توافق طرفین مشخص کرده است که با انتقال رمز ارز پرداخت انجام شده است. اما اگر واقعاً قرارداد رمز ارز را به‌صورت وسیله تسویه موقت یا پیش‌پرداخت تلقی کرده و قرار باشد بعدا تبدیل به ارز فیات شود، در این حالت طرف متضرر می‌تواند مطالبه ما به التفاوت را مطرح کند. از منظر مقررات بین‌المللی، نظیر آنچه در گزارش های Bank for International Settlements (BIS) آمده است، این پرسش‌ها در فضای رمز ارزها به‌وضوح پاسخ داده نشده‌اند، و نوسانات ارزش و فقدان پشتوانهٔ مالی یا حاکمیتی می‌تواند اجرای تعهدات را تحت تأثیر قرار دهد.

در سطح مقررات منطقه‌ای، مثال شاخص آن، Regulation (EU) 2023/1114 موسوم به MiCA در اتحادیهٔ اروپا است که برای نخستین بار چارچوبی یکپارچه را برای انتشار و عرضه توکن‌های رمزارزی و خدمات مربوط به آنها فراهم آورده است. این مقررات شامل الزامات انتشار، افشاء، مجوزدهی به ارائه‌دهندگان خدمات رمزارزی، و مسئولیت ناشران توکن‌های پایدار (asset referenced tokens) و توکن‌های الکترونیک پول (e-money tokens) می‌شود. (Regulation (EU) 2023/1114, 2023)

تأسیس چنین چارچوبی نشان می‌دهد که در فضای بین‌المللی تلاش برای ارتقای قابلیت پیش‌بینی تعهدات قراردادی رمزارزی و کاهش ریسک حقوقی در قراردادهای فراملی در جریان است.

با این حال، ملاحظه می‌شود که در گستره جهانی، فقدان هماهنگی مقرراتی بسیار مهم است؛ بسیاری از نهادهای بین المللی و بانک های مرکزی هشدار داده اند که دارایی های رمزارزی هنوز زیرساخت کامل حقوقی، ناظر یا حاکم نشده اند، و در نتیجه قرارداد هایی که بر اساس آنها تنظیم شده اند، تابع ساختار حقوقی کمتر تثبیت شده هستند. به عنوان نمونه، BIS در گزارش خود اشاره کرده است که استیبل‌کوین‌ها نتوانسته‌اند سه معیار اصلی پول یعنی واحد بودن (singleness)، الاستیسیته (elasticity) و تمامیت (integrity) را به‌خوبی ایفا کنند، و از این رو نقش آنها در نظام پولی جهانی فرعی یا تابع تلقی شده است. (Reuters, 2025)

در این شرایط، قراردادهای مبتنی بر رمز ارزها، به‌ویژه در عرصه تجارت بین‌الملل، در وضعیتی قرار دارند که لازم است طرفین به دقت ماهیت ابزار رمزارزی مورد توافق را مشخص کنند آیا پرداخت نهایی است یا انتقال دارایی، آیا تبدیل به ارز فیات خواهد شد یا خیر، قانون حاکم و مرجع حل و فصل اختلافات چیست. قراردادهای هوشمند (smart contracts) با قابلیت اجرای خودکار از طریق کد نرم افزاری، پتانسیل کاهش نقش واسطه ها و ارتقای کارایی را دارند، اما از منظر حقوقی همچنان دغدغه‌هایی چون انتساب اراده طرفین، تعیین قانون حاکم و صلاحیت داوری در بستر غیرمتمرکز را باقی گذاشته‌اند.

از منظر نظام پولی و ساختار قدرت ارزی جهانی، توسعه رمزارزها می‌تواند سه مؤلفه کلیدی تسلط دلار را به چالش بکشد: حجم ذخایر ارزی، نقش دلار در تسویه تجاری و عمق بازار اوراق بهادار آمریکا. اگر سهم پرداخت‌های رمزارزی در تجارت بین‌الملل به سطح معناداری برسد، این امر می‌تواند تأثیر قابل‌توجهی بر تقاضای دلار، الزامات سیاست پولی و نرخ‌های بهره داشته باشد. گرچه هیچ منبع رسمی هنوز ادعای کامل فرسایش نظام ارزی مبتنی بر دلار را با استفاده از عبارت دقیق مطرح نکرده است، اما هشدار BIS در این راستا قابل توجه است. (Reuters, 2025)

در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که قراردادهای مبتنی بر رمز ارزها اگرچه از منظر نوآوری و کارایی جذاب اند، اما همچنان با چالش‌های حقوقی و قراردادی مهمی روبه‌رو هستند. ابهام در ماهیت قانونی رمز ارز (دارایی یا وسیله پرداخت)، عدم قطعیت در معیار تحقق پرداخت و زمان برائت، نوسان ارزش و آثار آن بر اجرای تعهدات، فقدان پشتوانهٔ حاکمیتی یا قانونی، و فقدان هماهنگی مقرراتی بین المللی. این مسائل باعث می‌شود که این قرارداد ها غالبا در منطقه ای از حقایق حقوقی خاکستری قرار گیرند و عملکرد اجرایی شان تابع قرارداد و انتخاب طرفین باشد.

بر این اساس، طرفین قراردادهای مبتنی بر رمز ارز بایستی با آگاهی کامل اقدام کنند. مهم است که در متن قرارداد به وضوح تعیین شود که انتقال رمز ارز به چه منظوری واقع می‌شود، تبدیل آن به ارز فیات چه شرایطی دارد، و در صورت نوسان ارزش یا خطا در انتقال، مسئولیت‌ها چگونه خواهد بود. تعبیه معیار تحقق پرداخت مانند تأیید تراکنش در شبکه بلاک چین، انتخاب قانون حاکم، تعیین داوری و ضمانت اجرا ها الزامی است. همچنین، با توجه به فضای مقرراتی در تحول سریع، قرارداد ها می‌بایست پیش‌بینی سازگار با تغییرات آتی و امکان به‌روزرسانی مقررات را نیز در نظر بگیرند.

به طور خلاصه، استفاده از رمز ارزها در قراردادها چه به منظور پرداخت و چه انتقال دارایی دیجیتال پتانسیل قابل توجهی برای ارتقای کارایی، کاهش هزینه ها و تسریع فرآیند ها دارد، اما بدون چارچوب حقوقی کامل، اجرا و تضمین آن همچنان با مخاطره همراه است. بنابراین، برای دستیابی به امنیت حقوقی و اقتصادی واقعی، اتخاذ مقررات ملی و بین‌المللی هماهنگ و نیز توجه دقیق به تنظیم قراردادی طراحی‌شده الزامی است.

منابع

منابع فارسی

- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. (۱۴۰۲). گزارش سالانه سیاست‌های پولی و ارزی. تهران: بانک مرکزی

- رزمجو، ع و رزمجو، م. (۱۳۹۸). جایگاه قانون تبادلات ارزی بیت کوین در نظام‌های پرداخت بین المللی با نگاهی به قانون تبادلات ارزی دیجیتال در ایران. فصلنامه حقوقی دانشگاه اصفهان، ۶(۲)، ۱۲-۴۵

- تاج لنگرودی ح و دهدار، ف. (۱۴۰۳). چالش‌های استفاده از رمزارزها در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران. پژوهش‌های حقوقی و فقهی، ۵(۱)، ۷۹-۱۰۵.

منابع انگیسی

- Bank for International Settlements (BIS). (2025). Cryptocurrencies and decentralized finance: Functions and financial stability implications (BIS Papers No. 156). Basel: BIS
- Fowowe, B. (2024). Cryptocurrencies in cross-border trade: Legal challenges and opportunities. International Journal of Law and Finance, 11(2), 77–102
- Herdegen, M. (2024). International monetary law and digital currencies. Cambridge: Cambridge University Press
- IVANOV, & Zakharchenko, V. (2025). Cryptocurrencies and decentralized finance: Functions and financial stability implications. Basel: Bank for International Settlements (BIS Papers No. 156)
- Jacbs, S. (2018). Blockchain technology and its impact on international trade law. Journal of International Trade Law, 5(1), 23–49.
- Liu, Y. (2024). Legal frameworks for digital currencies in cross-border commerce. World Trade Review, 15(4), 201–227
- Ly, P. (2024). Cryptocurrencies and dedollarization: Implications for global financial governance. Journal of International Economic Policy, 12(3), 45–67
- Regulation (EU) 2023/1114. (2023). Markets in CryptoAssets Regulation (MiCA). Official Journal of the European Union
- Reuters. (2025, June 24). Central bank body BIS delivers stark stablecoin warning. Retrieved from https://www.reuters.com/business/finance/central-bank-body-bis-delivers-stark-stablecoin-warning-2025-06-24

- Southgate vs Graham, 2024. International commercial arbitration decisions on cryptocurrency payments. International Arbitration Reports, 18(2), 56–73
- Vrydnyk, O. (2023). Legal challenges of cryptocurrency in international trade. Journal of Financial Regulation, 8(1), 45–69
- Vasiliev, A, & Aleksandrov, I. (2025). Stablecoins, national digital currencies, and the transformation of international payments. International Finance Review, 9(1), 101–128